**هخامنشیان**

هخامنشیان در ابتدا شاه بومی پارس و انشان بودند. كورش دوم هخامنشی معروف به **كورش كبیر** در نبردی بر دولت ماد پیروز شد. سپس در سال 547 پیش از میلاد لیدی را فتح کرد و سغد، باکتریا و قسمتهایی از هند را گرفت و در سال 539 پیش از میلاد بابل را فتح کرد و با این فتوحات موفق، امپراتوری قدرتمند هخامنشی را تاسیس نمود. در واقع این امپراتوری تداوم زندگی دولت ماد بود، زیرا هخامنشیان و مادها از یك خانواده و فرهنگ بودند. آنها دویست و بیست سال بر بخش بزرگی از دنیای آن زمان حكمرانی كردند كه از رود سند تا دانوب و از آسیای میانه تا آفریقا گسترده بود. سرانجام با شكستی كه از اسكندر مقدونی خوردند امپراتوری آنها متلاشی شد . وی پاسارگاد را به عنوان پایتخت خود در محلی که بر آستیاگ غلبه کرده بود ساخت. کورش درسرزمین ماساگتها در شرق قلمرو خود در سال 530 پیش از میلاد کشته شد. زندگی او در هاله ای از ابهام قرار دارد.

**کمبوجیه پسر کورش جانشین او شد و در سال 525 پیش از میلاد مصر را فتح كرد. سه سال بعد وقتی که او در مصر بود گئومات خود را شاه نامید و کمبوجیه برای باز پس گیری حکومت رو به پارس نهاد ولی در راه بازگشت کشته شد، زیرا درحین سوار شدن بر اسب خنجرش وارد تنش شده بود.**

**جمعی از بزرگان پارسی به رهبری داریوش، به گئومات شاه دروغین حمله کردند و او را کشتند. در نتیجه داریوش شاه شد. او پسر یا برادر کورش نبود و از تیره دیگری از هخامنشیان بود. پس از آن خیلی از استانهای تابعه شورش کردند که مهمترین آنها ماد و بابل بودند. داریوش همه را دوباره مطیع خود کرد و پس از 19 جنگ، آرامش به امپراتوری هخامنشیان بازگشت. داریوش در دیواره بیستون محلی بر سر جاده باستانی ماد به بابل، دست آوردهای خود را بر دیواره سنگی حک کرد. داریوش با درایت و قدرت به سلسله هخامنشی روح تازه ای می دهد. او ساتراپی ها را برپا کرد، شروع به ساخت کاخ های شوش و تخت جمشید کرد، شاهنشاهی را از مقدونیه تا پاکستان و از دریای خزر تا شمال لیبی گسترش داد و قبل از مرگ خود خشیارشا پسرش را به شاهی برگزید.**

**در زمان خشیارشا گسترش قلمروی حکومت پایان یافت، قندهار و تاکسیلا هم مستقل شدند. او درسال 480 پیش از میلاد نیز از آتنی ها شکست خورد. بعد از او اردشیر اول به شاهی رسید و بعد از اردشیر، داریوش دوم شاه شد. تا این زمان امپراتوری هخامنشیان قدرت بلا منازع روی زمین بود وتاثیر مستقیمی بر روی همسایگان خود داشت.**

**پس از مرگ داریوش دوم، اردشیر دوم و کورش صغیر با هم نبرد کردند. کورش صغیر که از مزدوران یونانی کمک گرفته بود شکست خورد و کشته شد و اردشیر دوم بر تخت نشست. در این زمان مصر نیز مستقل شد. پس از او اردشیر سوم به شاهی رسید ولی خیلی زود در دربار کشته شد و بالاخره داریوش سوم به شاهی رسید. در این زمان چند ساتراپی مستقل شدند ولی داریوش سوم دوباره آنها را مطیع کرد.**

**در زمان داریوش سوم، اسکندر پادشاه کشور مقدونیه به آسیای صغیر حمله کرد و سوریه را گرفت. داریوش سوم که به جنگ او رفته بود در سال 333 پیش از میلاد در محلی به نام ایسوس از اسکندر شکست خورد. سپاه ایران دوباره نوسازی شد ولی دو سال بعد در گوگمل شکست نهایی را از مهاجمین خورد. داریوش سوم در سال 330 پیش از میلاد کشته شد و سلسله هخامنشی منقرض شد.**

**اسکندر که خود را شاه هخامنشی نامیده بود، تخت جمشید و دیگر مناطق قدرت هخامنشی را غارت کرد و برای آنکه روح هخامنشی را نیز از بین ببرد تخت جمشید را به آتش کشید**.

**معماری هخامنشی**

#### بارزترین هنر هخامنشی همانا معماری آن است .كاخها و آرامگاههای هخامنشی پس از گذشت بیست و پنج قرن همچنان استوار و زیبا هستند.پاسارگاد،هگمتانه،شوش،تخت جمشید،بابل وگورهای شاهی نمونه هایی ازمعماری هخامنشی هستند. ستونهای بلند سنگی استوار حجاریهای زیبا با نقوشی حاكی از دوستی- بدون خونریزی مانند گذشتگان آنها-وساختمانهای بلند آثاری از هنر معماری هخامنشی هستند .آنان بر تمامی همسایگان و كشورهای زیر سلطه خود تاثیر گذاشتند و نمی توان هنر معماری دوران باستان را بدون در نظر گرفتن هنر هخامنشی بررسی كرد. به سبب گستردگی كشور هخامنشیان هنرمندان برتر نیمی از جهان باستان در خدمت آنان بودند و آنان با مدیریت درست بر آنها توانسته اند از خود یادگارهایی به جای گذارند كه هنوز جزو شاهكارهای معماری به شمار می آیند.

### **شاهان هخامنشی**

[**کورش کبیر**](https://iranatlas.info/parseh/kurosh.htm)

سلسله هخامنشی توسط کورش در سال 559 پیش از میلاد تاسیس شد.او درسال 550 پ م بر آستیاک شاه ماد و به قولی پدر بزرگ خود غلبه می کند. منطقه جغرافیایی دولت ماد کاملا مشخص نیست ولی از غرب شامل کاپادوکیه و ارمنستان و از شرق تا هیرکانی ادامه داشته است. کورش در سال 547 پ م لیدی را فتح كرد. او سغد و باکتریا و قسمتهایی از هند را گرفت ودر سال 539 پ م بابل را فتح كرد. او پاسارگاد را به عنوان پایتخت خود در محلی که بر آستیاک غلبه کرده بود ساخت کورش در سرزمین ماساگتها در شرق قلمرو خود در سال 530 پ م کشته شد. زندگی او در هاله ای از ابهام قرار دارد.

[**کمبوجیه**](https://iranatlas.info/parseh/kambujie.htm)

**پسر کورش به نام کمبوجیه جانشین او شد .او در سال 525 پ م مصر را فتح كرد. سه سال بعد وقتی که او در مصر بود گیوماته خود را شاه نامید و کمبوجیه برای باز پس گیری حکومت رو به پارس نهاد ولی در راه بازگشت حین سوار شدن بر اسب ، خنجرش وارد تنش شد و جان سپرد.**

[**داریوش اول**](https://iranatlas.info/parseh/dar1.htm)

**در این زمان جمعی از بزرگان پارسی به رهبری داریوش به گئوماته شاه دروغین حمله كردند واو را كشتند و داریوش به شاهی انتخاب شد.او پسر یا برادر کورش نبود و از تیره دیگری از هخامنشیان بود. پس از آن خیلی از استانهای تحت تابعه شورش كردند كه مهمترین آنها ماد و بابل بودند. داریوش همه را دوباره مطیع خود می کند و پس از 19 جنگ در یک سال آرامش به امپراتوری هخامنشیان بر می گردد.داریوش در دیواره بیستون محلی بر سر جاده باستانی ماد به بابل دست آوردهای خود را بر دیواره سنگی حک كرد. داریوش با درایت و قدرت به سلسله هخامنشی روح تازه ای داد . او ساتراپی ها را برپا كرد. کاخ های شوش را ساخت.شاهنشاهی را از مقدونیه تا پاکستان واز دریای خزر تا شمال لیبی گسترش داد. قبل از مرگ خود خشیارشا پسرش را به شاهی بر گزید**.

[**خشیارشا**](https://iranatlas.info/parseh/khashiarsha1.htm)

**در زمان خشیارشاگسترش قلمروی حکومت پایان یافت وقندهار و تاکسیلا مستقل شدند.او درسال 480 پ م نیز از آتنی ها شکستی خورد و این شکست برای آنها خیلی مهم می افتد. بعد از او اردشیر اول به شاهی رسید و بعد از اردشیر داریوش دوم شاه شد. تا این زمان امپراتوری هخامنشیان قدرت بلا منازع روی زمین بود وتاثیر مستقیمی بر روی همسایگان خود داشتند.**

[**اردشیر اول**](https://iranatlas.info/parseh/ard1.htm)

**ارتبان یكی از درباریان هخامنشی پس از كشتن خشیارشا در سال 464 پیش از میلاد پسر 18 ساله خشیارشا را با نام ارسس به شاهی نشاند. این شاه خود را اردشیر اول نامید.**

**از آنجا كه او جوان و بی تجربه بود، خود ارتبان كارهای حكومتی را به عهده گرفت. اردشیر اول دومین پسر از سه پسر قانونی خشیارشا از ملكه امستریس دختر هوتن بود. پس از اینكه اردشیر اول بر تخت حكومت نشست، همه كسانی را كه در قتل خشیارشا دست داشتند از جمله ارتبان را از دم تیغ گذراند.**
**در زمان او مصر به رهبری ایناروس شورش كرد و اردشیر بر او پیروز شد. جانشین ایناروس به نام بغبوخش به سوریه رفت و در آنجا سر به شورش زد ولی از آنجا كه خواهرش همسر خشیارشا بود سرانجام آنها به نبرد ختم نشد و بغبوخش به دربار آمد و معذرت خواهی كرد.**

**پس از مدتی اردشیر اول به بهانه این كه در گذشته بغبوخش شیری را كه قرار بود خشیارشا شكار كند، كشته بود، او را به دریای سرخ تبعید كرد.**

**اردشیر با یونان نیز درگیر بود و سر انجام با آنها پیمان صلحی عقد کرد. اردشیر با یهودیان رابطه خوبی داشت. عزرای كاتب در زمان او می زیسته است. اردشیر اول در سال 424 پیش از میلاد به همراه همسرش داماسپیا در بابل درگذشت. او را به نقش رستم آوردند و در آرامگاهی كه برای خود ساخته بود دفن كردند.**

**داریوش دوم**

اردشیر اول از یك همسر بابلی خود پسری به نام اخوس داشت كه پس از مرگ اردشیر اول در روز 7 دسامبر 424 پیش از میلاد به نام داریوش دوم بر تخت شاهی نشست.

او در سلطنت 19 ساله خود هرگز از چنگال توطئه های درباری رهایی نیافت. پریساتیس همسر او، ارتوكسرس ساتراپ ارمنستان و ارتیبرزنس وآتوئس دو بلند پایه دیگر دربار بر داریوش دوم تسلط داشتند. پریساتیس قبل از شاهی داریوش دوم یك پسر و پس از آن سه پسر دیگر به دنیا آورد.

[**اردشیر دوم**](https://iranatlas.info/parseh/ard2.htm)

**پس از مرگ داریوش دوم اردشیر دوم و کورش صغیر با هم نبرد كردند و کورش صغیر که از مزدوران یونانی کمک گرفته بود شکست خورد و کشته شد و اردشیر دوم بر تخت نشست. در این زمان مصر نیز مستقل شد. پس از او اردشیر سوم به شاهی رسید ولی خیلی زود در دربار کشته شد و بالاخره داریوش سوم به شاهی رسید.داریوش سوم چند ساتراپی مستقل شده را دوباره مطیع خود كرد**.

**اردشیر سوم**

**اردشیر سوم پدر خود را كشت و به جای او به شاهی رسید. در ابتدا برادران و خواهران خود و همه كسانی را كه می توانستند ادعای شاهی كنند را از سر راه برداشت و آنها را كشت. سپس با كادوسیان جنگید و آنها را شكست داد. آرته باذ یكی از ساتراپهای او شورش كرد و در جنگی با شاه كشته شد.**

**او در سال 351 پیش از میلاد شورشهای فینقیه و قبرس را سركوب كرد. در سال 344 پیش از میلاد مصر را فتح کرد. پس از این جنگها وضع ساتراپی ها را سامان داد و به امور داخل مرزهای كشورش پرداخت. او شاهی قدرتمند بود.**

**داریوش سوم**

**داریوش سوم آخرین شاه از سلسله هخامشنشی بود. او نوه داریوش دوم، فرماندار ارمنستان بود. ظاهرا باگواس وزیر اردشیر او را به شاهی رساند تا خود بتواند امور را در دست گیرد، زیرا او را فردی ضعیف شناخته بود. ولی داریوش او را از سر راه بر داشت.**

**در این زمان اسكندر مقدونی به ایران حمله كرد و داریوش سوم پس از چند جنگ ناموفق از او شكست خورد و شاهنشاهی هخامنشی به دست سپاه مقدونی افتاد. داریوش سوم فرار كرد و در حوالی سمنان و دامغان در سال 330 پیش از میلاد كشته شد .**

**در این زمان اسکندر پادشاه کشور مقدونیه به آسیای صغیر حمله كرد و یكی از صفحات تاریك تاریخ ایران را ورق زد. او سوریه را گرفت.داریوش سوم در سال 333 پ م در محلی به نام ایسوس از اسکندر شکست خورد. سپاه ایران دوباره نوسازی میشود و دو سال بعد در گوگمل شکست نهایی را از مهاجمین خورد . داریوش سوم در سال 330 کشته شد و سلسله هخامنشی منقرض گشت.اسکندر خود را شاه هخامنشی نامید و تخت جمشید و دیگر مناطق قدرت هخامنشی را غارت كرد . او برای آنکه روح هخامنشی را نیز از بین ببرد تخت جمشید را به آتش كشید و باعث افتخار یونان شد**.

**اسکندر در سال 323 در بابل کشته شد و کشورهایی که به دست او فتح شده بودند به 3 قسمت تقسیم شدند و در ایران سلوکیان به مدت 200 سال حکومت كردند.**

**بنای تخت جمشید**

#### پارسه نام باستانی بنایی است كه ما آن را به نام تخت جمشید می شناسیم، پارسه در یکی از سنگ نبشته های خشایارشا ثبت شده است. یونانیان به این محل پرسپولیس می گفتند. این محل یکی از پایتخت های هخامنشیان بود و به دستور داریوش بزرگ در 43 کیلومتر جنوب پاسارگاد، پایتخت کورش کبیر ، ساخته شد. این بنا به عنوان یکی از 10 بنای برتر تاریخی جهان در سازمان یونسکو ثبت شده است**.**

#### [ساخت بنا و سازندگان](https://iranatlas.info/parseh/pe_architect.htm)

#### شواهدی در دست است که نشان می دهد این محل در زمان کورش و و کمبوجیه نیز یک مرکز حکومتی بوده ولی از آن دوران بنایی موجود نیست و بناهای تخت جمشید همگی از زمان داریوش به بعد ساخته شده اند.در همه کاخها سنگنبشته ای قرار دارد كه سازنده بنا را معرفی کرده است.جدا از این کتیبه های اصلی لوحهای گلی زیادی در تخت جمشید کشف شده که همگی در آتش افروزی شاه مقدونی به سفال تبدیل شدند و پس از گذشت قرنها سالم به دست ما رسیده اند.این لوحها اطلاعات جالبی از امور حکومتی و زندگی مردم آن زمان به ما منتقل کرده اند.

#### در ابتدای عملیات ساختمانی صفه ای به ابعاد450\*300 متر توسط مردان داریوش مسطح گشت.آنطور که خود او وصف کرده مکانهای مرتفع بریده شده و مکانهای تو رفته با سنگریزه پر شدند تا همگی یکدست و مسطح شوند .اولین بنایی که ساخته شد خزانه شاهی در جنوب شرقی صفه بود. در این بنا غنایمی که از سرزمینهای زیر سلطه هخامنشیان گرفته شده بود و همچنین هدایایی که شاهان باوفای آن سرزمینها مخصوصا در مراسم نوروز اهدا می کردند نگه داری می شد.خزانه اولیه کوچکتر از آن بنایی است که امروزه موجود است و طی گذشت سالها وسعت آن افزوده گشت.بر طبق لوحهای سفالی به جای مانده از آن زمان دست کم 1348 نفر در سال 467 پیش از میلاد در خزانه کار می کردند.

#### در همین زمان کاخ آپادانا نیز ساخته شد. این کاخ را می توان قلب تخت جمشید دانست. پلکان معروف شرقی آن یکی از شاهکارهای جهان می باشد که در آن صف هدیه آورندگان در صمیمیت به نمایش گذاشته شده است. در قسمت مرکزی کاخ هزاران نفر در یک زمان جای می گرفتند. 72 ستون سقف بنا را در 25 متری از کف بنا نگه می داشتند .

#### بر طبق سنگ نبشته ای از سازنده بنا داریم :

#### داریوش شاه بزرگ شاه شاهان شاه کشورها پسر هیشتاسپ یک هخامنشی این بنا را ساخت.

#### در این مرحله از ساخت تخت جمشید معابری نیز برای عبور آب و فاضلاب در سنگها تعبیه شده است که هم اکنون نیز آثار آن کاملا مشخص است .

#### مرحله دوم ساخت بناهای تخت جمشید از سال 490-480 پ.م. در زمان داریوش اول آغاز شد و در زمان خشایارشا پسر و جانشین داریوش خاتمه می یابد.

#### خشایارشا می گوید :

#### وقتی داریوش از این دنیا رفت با تایید اهورامزدا من جانشین او شدم .پس از اینکه شاه شدم کارهای نیمه تمام پدر را تمام کردم و خود نیز به آنها اضافه کردم.

#### در مرحله سوم ساخت تخت جمشید كاخ تچر نیز ساخته شد ، این كاخ محل زندگی داریوش اول بود . دروازه ملل و پلکان ورودی آن نیز ساخته شد.خصوصیت منحصر به فرد این پلکان دو طرفه این است که جز با وقار و به آرامی نمی توان از آن بالا رفت.

#### در دهه بعدی یعنی 480-470 پ.م. کاخ هدیش ساخته شد که دو برابر کاخ تچر است .در كنار آن، كاخ معروف به حرمسرا ساخته شد كه زنان شاه در اتاقهای خصوصی آن زندگی می كردند .

#### در مرحله چهارم کاخ صد ستون ساخته شد.در عین حال خزانه نیز کمی بزرگتر شد.كار ساخت کاخ بزرگ70\*70 متری صد ستون در زمان اردشیر اول فرزند خشایارشا اتمام یافت.از سال 450 پ.مپ تا یک صده تقریبا اتفاق خاصی در ساخت و ساز تخت جمشید نیافت.

#### اردشیر سوم در 358-338 یک کاخ 32 ستونی و مقداری راه درون تخت جمشید ساخت. در آخر هنگامیكه داریوش سوم اقدام به ساخت یك دروازه بزرگ در شمال كاخ صد ستون كرد، كل تخت جمشید در هفته های اول سال 330 پیش از میلاد توسط شاه مقدونی مورد حمله قرار گرفت و به دستور اسكندر به آتش كشیده شد.

#### از نکات قابل تامل در طرحهای تخت جمشید حس دوستی ، آرامش و همامنگی افراد مختلف است، حتی در یک طرح ارامنه با اسلحه خود به حضور شاه می رسند. همه افراد دست در دست هم و صحبت کنان در كنار هم ایستاده اند و اثری از خشونت و خونریزی دیده نمی شود.در حالی که با مقایسه این نقوش با سایر نقوش باستانی به یادگار مانده ،آنها مملو از خشونت هستند.

#### نزدیک 200 سال شاهان هخامنشی در این کاخها زندگی کردند وبیش از 20 ساتراپی را اداره می کردند. سلسله هخامنشی توسط کورش کبیر تاسیس می شود و داریوش به آن جان می بخشد به طوری که اصولی که داریوش ابداع می کند تا انتهای حیاط هخامنشی پا برجا می ماند. تا اینکه توسط شاه مقدونی مورد هجوم قرار می گیرد و نابود می شود.

#### پاسارگاد

#### **پاسارگاد در ارتفاع 1900 متری از سطح دریا قرار دارد. به گزارش استرابون** [كورش](https://iranatlas.info/parseh/kurosh.htm) **در این مكان بر آستیاك پیروز شده است. او پس از پیروزی خود بر لیدی مجموعه بناهای پاسارگاد را ساخت. این مكان به منزله نخستین پایگاه فرمانروایی نو پای هخامنشی بود. ساختمان اصلی این بنا، آرامگاه كورش كبیر و قدیمی ترین بنای آرامگاهی شناخته شده ایران است. در زمان حمله اعراب نیز این بنا با گزیدن نام قبر مادر سلیمان از گزند در امان ماند.**

#### Related imageمقبره كورش كبیر

#### **صفه سنگی این بنا توسط سنگ تراشان لیدیایی ساخته شد. سنگ های این مقبره و كاخ های اطراف آن از فاصله 50 كیلومتری با قایق از رود كر به محل آورده شده اند. كاربرد مرمر تیره و روشن در ستونهای كاخ بسیار چشم نواز است. برخی کارشناسان همچون خانم كخ عقیده دارند ساخت كاخ ها، باغ و جویهای پاسارگاد در زمان داریوش اتمام یافته است. اتاقك آرامگاه بر روی سكویی از 6 پله بزرگ با بلندی های نامنظم، قرار گرفته است. شیروانی سنگی این بنا قدیمی ترین شیروانی موجود در فلات ایران است. ارتفاع بنا در حدود 11 متر است. دورتادور بنا باغهایی قرار داشت و درون باغ نیز بناهایی وجود داشتند كه باستان شناسان آنها را از زیر خاك بیرون آورده اند. از باغ فقط آثاری از جوی و حوض آبیاری باقی مانده است. درون اتاق شیروانی دار محفظه ای با ابعاد 2 در2 متر و ارتفاع 3 متر قرار دارد. گنجینه كورش را پس از مرگش در این اتاقك قرار دادند تا پس از مرگ به آنها دسترسی داشته باشد.**

**جسد كورش را در تابوتی زرین بر تختی زرین پایه با تشكی ارغوانی گذاشته بودند. در كنار آن میزی بود كه روی آن را با دشنه های پارسی، گردن بندها وگوشواره های زرین، لباسهای بافت بابل، شلوارها و جامه های مادی آراسته بودند و در كنار آرامگاه، بنایی برای اسكان مغان محافظ بنا درست كرده بودند. آرامگاه تا زمان حمله اسكندر درآرامش بوده و در آن باز نشده بود تا اینكه در زمان اسكندر شاه مقدونی غارت شد.**

#### تل تخت دژ نظامی

#### **در قسمت شمالی محوطه پاسارگاد یك دژ نظامی دیده می شود كه به نام تل تخت نامگذاری شده است. این بنا سنگی است و از كنار هم قرار گرفتن هزاران تخته سنگ ساخته شده که با چفتهای آهنی و بدون ملات به هم متصل شده اند. این دژ در سال 280 پیش از میلاد بر اثر آتش از بین رفته است.**

#### **در محل دیگر، برجی سنگی قرار دارد كه به زندان معروف است. احتمالا این بنا یك معبد زرتشتی بود. مشابه این بنا را در نقش رستم به نام كعبه زرتشت می شناسیم كه بسیار سالم مانده است. نقشه این دو بنا به طور حتم یكسان بوده اند**.

#### ورودی باغ

#### باستان شناسان با توجه به آثار جوی آب و حوض، به این نتیجه رسیده اند كه این مكان در گذشته درختان سر سبزی داشت. مراجعین پس از گذشتن از یك ورودی، درون اتاقی به ابعاد 5.28 در 5.28 متر به انتظار دیدار شاه می نشستند. اتاقی مشابه این محل، در دروازه ملل تخت جمشید وجود دارد. در گوشه این بنا سنگ نگاره ای دیده می شود كه مردی ریش دار با كلاه مصری و لباس ایلامی و چهار بال آشوری در آن ایستاده است. در همان نزدیكی رودخانه ای بوده كه پل آن را آب برده و آثاری از پل بر جای نمانده است.

## **شوش پایتخت ایلامیها و شهر برگزیده هخامنشیان**

**شوش یكی از قدیمی ترین شهرهای جهان است. حفاریهای باستان شناسی نشان می دهد كه این منطقه در 9000 سال پیش از میلاد محل سكونت كشاورزان بوده اشت. آنها از زندگی خود آثاری بر جای گذاشته اند كه اكنون به صورت تپه های گوناگون باستانی كشف شده است. در 5000 سال پیش از میلاد در این مكان، مردم در قلعه زندگی می كردند و از4000 سال پیش زندگی در شوش به صورت شهری در آمده است. این منطقه كه بین رودهای كرخه و دز قرار دارد پایتخت سیاسی ایلامیها بوده است. قلعه ایلامیها روی تپه ای در مركز شهر شوش واقع بوده كه فرانسویها روی آن قلعه جدیدی احداث نموده اند . در كنار آن تپه شاهی قرار دارد كه احتمالا به صورت زیگورات بوده است و درنزدیكی آن تپه صنعتگران قرار دارد. آشوربانیپال بین سالهای 465 تا 460 پیش از میلاد شهر شوش را فتح كرد و آنرا مانند دیگر فتوحات آشوری ها با خاك یكسان كرد.**

#### **داریوش اول هخامنشی آنجا را بازسازی نمود و كاخ آپادانای خود را در تپه شاهی برپا نمود. خشایارشا نیز در شوش زندگی می كرده است. در زمان اردشیر اول متاسفانه در اثر آتش سوزی بزرگی اكثر بناهای شوش از بین رفتند. بقایای این آثار باستانی در قرن بیستم از زیر خاك بیرون آمدند. قسمت عمده ای از آنها در اثر تسطیح دشت خوزستان برای اهداف كشاورزی از بین رفته است و جنگ تحمیلی نیز خسارات زیادی به آثارباستانی وارد كرده است. حفاریهای غیر مجاز ساكنین دشت و علاقه باستان شناسان و موزه داران غربی، باعث شده است قسمت عمده ای از این آثار از بین برود یا به موزه های خارج از کشور برده شود.**

#### [شوش در پیش از تاریخ](https://iranatlas.info/regional%20prehistoric/shush%20-teppe/shush-teppe.htm)

**شمال دشت خوزستان كه محل ورود سه رود كارون، كرخه و دز به این دشت رسوبی و حاصلخیز است، محل مناسبی برای استقرار بشر اولیه بوده، كه به تازگی با تكثیر نباتات و اهلی كردن حیوانات آشنا شده بود. در 5000 سال پیش از میلاد آنها با احداث آبراهها و سدهایی، مشكل آبرسانی را حل نمودند. باستان شناسانی همچون گیرشمن و ژان پرو بقایای ساختمانهای عظیمی را در تپه های شوش كشف كردند كه نشان از اهمیت این تپه ها در منطقه می دهد. در كل دشت شوش تپه های فراوانی وجود دارد و نشان می دهد در پهنه عظیم این دشت، اجتماعات فراوان پراكنده كشاورزی وجود داشته است كه مركز همه آنها در شوش بوده و همگی از نظر فرهنگ، صنعت و نحوه زندگی یکسان بودند.**

#### **ایلامی ها توانستند برای هزاران سال در پایتخت خود شوش، قدمهای بسیار موثری برای پیشرفت خود و تمدن بشر بردارند، به طوریکه پیشرفت خط، معماری، ذوب فلزات و شیشه و هنر پیکر تراشی همگی مدیون زحمت مردمان ایلام است. گستره سرزمین ایلام گاهی بسیار وسیع بوده است به طوریکه گاهی تمامی تمدن های بزرگ اطراف خود را مطیع خویش می ساختند. در آن هنگام شوش علاوه بر پایتخت سیاسی، یک شهر مذهبی و کانون عبادی نیز محسوب می شد. آثاری که از شوش، هفت تپه، چغازنبیل و ایذه به دست آمده است حقایق زیادی را در مورد نوع زیست و نگاه ایدئولوژیک آنها روشن ساخته است.**

**از میان آثار باستانی شوش در دوره ایلامی پیکره خدایان جایگاه ویژه ای دارد. یک نمونه که در موزه لوور نگهداری می شود و از جنس طلاست بسیار چشمگیر است. جام معروف شوش که چند نمونه از آن در اکتشافات باستانی به دست آمده است و یک نمونه آن در موزه لوور فرانسه نگهداری می شود اثری بسیار زیبا و سمبولیک است. نوع اغراقی که در تصاویر روی جام به کار رفته است انسان را به یاد سبک های هنری معاصر مثل کوبیسم می اندازد. معبد چغازنبیل و آثاری که در آن کشف شد اوج درخشش تمدن ایلامی را نشان می دهد. حفاری ها و پژوهش های گیرشمن در ابتدای قرن گذشته نشان داد که ایلامی ها از عناصر طبیعی مثل شیشه، قیر،** **فلزات و لعاب کاشی در ساختمان سازی استفاده می کردند. استفاده از چرخ در ابعاد بزرگ و ایجاد شکافهای موازی روی زمین به مثابه ریل از دیگر ابتکارات ایلامی ها بوده است.**

#### مقبره دانیال نبی یكی از پیامبران نیز در این شهر قرار دارد و مورد توجه اهالی است . در كتاب مقدس ذكر شده است كه مقبره استر در شوش است ولی آنرا در همدان می یابیم .

#### راه شاهی هخامنشی و جاده ابریشم

**قسمت غربی راه شاهی از شوش به سارد ولیدی می رسد. قسمت شرقی راه درون ایران است و از شوش به اکباتان و ری و پارت و قسمتهای شرقی امپراتوری می رود.در طول این راه کاروانسراهای متعدد و دروازه ها و پادگانهایی قرار داشته و راه از امنیت و سلامت کامل برخورد بوده است و از طریق راه شاهی نمایندگان دربار و مردم رفت و آمد می کردند. بررسی این راه را از غربی ترین نقطه آن شروع می کنیم**.

**قسمت اول : در حد فاصل لیدل و فریجیا 520 كیلومتر راه بود كه در آن 20 كاروانسرا وجود داشت.**

**قسمت دوم : راه شاهی بعد از فریجیا به رودخانه هالیس می رسد.در این محل یک گذرگاه مهم قرار داشت و رفت آمد کنترل می شد**.

**قسمت سوم : راه شاهی با عبور از رودخانه هالیس به کاپادوکیه میرسد.در این مسیر572 کیلومتری 28 کاروانسرا وجود داشت**.

**قسمت چهارم : پس از 86 کیلومتر دیگر به سیسیلیا میرسد.در این مسیر دو دروازه کنترل قرار داشت**.

**قسمت پنجم : در كنار راه خشكی در مرز سیسیلیا و ارمنستان رودخانه یوفریت قابل کشتیرانی است. در ارمنستان در طول مسیر 310 کیلومتری 15 کاروانسرا و یک گذرگاه کنترل قرار داشت**.

**قسمت ششم : در ارمنستان تا سرزمین ماتین 34 کاروانسرا در مسیر 753 کیلومتری قرار داشت**.

**قسمت هفتم : در ماتین 4 رودخانه قابل کشتیرانی وجود دارد که به خاطر شدت جریان قابل عبور نبودند.اولی تیگریس دومی و سومی به نام مشترک زاباتوس وچهارمی گیندس می باشد**.

**قسمت هشتم : از آنجا وارد سرزمین سیسین میشود و پس از طی 243 کیلومتر با 11 کاروانسرا به رود کرخه میرسد.این رود قابل کشتیرانی است و به شهر شوش می آید.**

**اگر این مسیر را درست طی کرده باشیم از شوش تا سارد 2500 کیلومتر راه بوده است . در صورتیكه هر کاروان در روز 30 کیلومتر راه طی می کرده برای طی کل این مسیر 19 روز زمان لازم داشت .این مسیر احتمالا خیلی قدیمی بوده زیرا اگر هخامنشیان آنرا میساختند از شوش به بابل و سپس به یوفریت پایتخت یایالیا می رفتند.تیگریس در میان جاده مرکز حیات آشوری ها میباشد.بنابراین امکان دارد این قطعه از راه توسط آشوریان برای ارتباط نینوا به شوش ساخته شده باشد.البته اهمیت کار هخامنشیان به اداره این راه است نه اینکه آنها این راه را هموار کرده باشند. شهرهای مهم اپیس و اربیل در این مسیر هستند و در غرب نینوا در مسیر تیگریس شهر امیدیه مرکز ملیتن قرار دارد.**

**بین سیسیلیا و کاپادوکیه رشته کوه آنتیتاروس قرار دارد. آخرین شهر سیسیلیا کومانا می بود.بعد از این شهر کاپادوکیه کشور کنونی ترکیه شروع میشود.در این محل مسیر جاده مشخص نیست ولی احتمالا از مرکز کشور باستانی هیتی به نام هاتتوساس می گذشته.شهر هالیس در کنار آنکارای کنونی قرار دارد که یکی از گذرگاههای کنترلی در آن قرار داشته.از آنجا به مرکز کشور فریجیا به نام گردیوم می رسیدند.جاده در این محل حفاری شده و عرض 6 متری آن کاملا مشخص است.بعد از عبور از پسیونوس به سارد می رسیدند.**

**بسیاری از** [لوحهای](https://iranatlas.info/parseh/pe_tablet.htm) **مكشوفه در تخت جمشید در مورد چگونگی مسافرت سفیران حکومتی و تعویض اسب آنها در طول مسیر است.چاپارها یا قاصدان حکومتی با سرعت در این جاده ها حرکت می کردند . ازطریق همین لوجها می دانیم مسیر تخت جمشید به سمت یاسوج در محل دروازه پارس 552 کیلومتر با 23 کاروانسرا بود.راهی که بابل را به اکباتان میرساند در کنار شهر اپیس راه شاهی را قطع میکرد.این مسیر به شهر مقدس زرتشتی ری میرسید و از آنجا به سرزمینهای شرقی می رفت.**

**ادامه این راه که به سمت شرق می رفت و بعدها به نام جاده ابریشم معروف شد.جاده ابریشم راهی است که مدیترانه را به چین میرساند.این نام از صده یک بعد از میلاد در زبانها افتاد ولی از سالیان قبل استفاده می شد.در صده ششم قبل از میلاد از بابل به اپیس و اکباتان می امدند و از حوالی ساوه امروزی به سمت ری میرفتند. از ری به سمت ساتراپی پارتیا و سپس به قومس میرسیدند که نزدیک دامغان امروزی است.از آنجا با عبور از رشته کوه البرز به توس میرفتند و این قسمت از میان صحرا می گذشت. از توس جاده دو شاخه می شد.شاخه جنوبی به هرات و قندهار می رفت و به دره کابل و پنجاب می رسید.شاخه شمالی به سمت صحرای کاراکون و شهر مرو می رفت. از مرو از طریق امودریا به سمرقند بلخ مزار شریف و کندور می رسید.**

**این مسیر توسط اسب یا شتر طی می شد و جاده به سمت شمال نیرود ،ارتفاع می گیرد. در محلی به نام برج سنگی ارتفاع جاده به 4723 متر از سطح دریا می رسد.از خونجراب قسمت شرقی جاده ابریشم شروع می شد و تا چین ادامه می یافت.**

## **هنر هخامنشی**

هنر ایران در عصر هخامنشی به پیشرفت قابل ملاحظه ای نایل آمده زیرا ایرانیان جلوه های مختلف هنری قدیم مناطق تحت سلطه خود را جذب كرده و از آنها تركیبی خاص با خصوصیات اصیل ایرانی ساختند. سهم هخامنشیان دراین دوره تركیب، ظرافت بخشیدن، تناسب دادن و عظمت بخشیدن به شاخه های مختلف هنری بود، به گونه ای كه آن هنر را به اوج عظمت و شكوه خود رساند. به سبب گستردگی كشور هخامنشیان، هنرمندان برتر نیمی از جهان باستان در خدمت آنان بودند و آنان با مدیریت درست توانستند از خود یادگارهایی به سبک هخامنشی به جای گذارند. از جلوه های هنری این دوره رواج كنده كاری، حجاری، پیكر تراشی، فلزكاری، كاشی سازی و قالی بافی است. آثار برجا مانده عمق پیشرفت هنرمندان ایرانی را در رشته های هنری به تصویر می كشند.

 نقش برجسته های تخت جمشید نیز در زمره گنجینه هنر هخامنشی به شمار می روند كه هر یك مجموعه ای از تصاویر غنی و نقوش دوران هخامنشی را به نمایش می گذارند و علاوه بر آن گویای بسیاری از آداب و رسوم رایج در دربار هخامنشی اند. در نقش برجسته های تخت جمشید صحنه هایی از مراسم و مناسك رایج در پایتخت شاهان هخامنشی وجود دارد كه عموما پیكره پادشاه، كانون اصلی هر صحنه است. در این كنده كاری ها دسته های آورندگان هدایا، صحنه بار عام پادشاه و دیگر نقوش برجسته مربوط به آرامگاه به نمایش گذارده شده است.

آثار فلزكاری نیز در این دوره برجسته و چشمگیر است. اشیاء فلزی هخامنشیان بیشتر از طلا، نقره و برنز ساخته می شده و از مهمترین آثار مكشوفه، ارابه زرینی است كه چهار اسب در جلوی آن قرار دارد و دو پیكره آدمی بر روی نیمكت ارابه نشسته اند. نكته مهم در آثار فلزی این عهد ، استفاده زیاد از نقوش و پیكر حیوانی در ساخت ظروف و زیور آلات است. این نقوش را می توان بر روی بشقاب های نقره ای و طلایی به صورت جنگ شیر و گاو و یا دو بزكوهی مشاهده كرد.

**دستبندهای فلزی**

یكی از برجسته ترین زیور آلات این دوره دستبندهایی است كه انتهای آنها به دو سر شیر ختم می شوند و با زیور آلات كوچك و قرص مانندی به شكل سر حیوانات و پرندگان و نقوش هندسی تزئین شده است . این آثار حاكی از آن است كه پارسیان در عهد هخامنشی به ابزارهای زرین و سیمین و مفروغی علاقه داشته و بخشی از هنر خود را در این راه به كار می برده اند.

**فرش بافی**

فرش بافی از دیگر جلوه های بارز هنر ایرانی در زمان هخامنشیان است. این هنر به سبب از بین رفتن فرش های عهد باستان چندان مورد مطالعه دانشمندان قرار نگرفته بود، ولی در اواخر دهه 1950 میلادی با كشف فرش پازیریک كه به همراه آثار نفیس دیگر در یخ های سیبری حفاری شد جلوه ای دیگر از هنر هخامنشی را در معرض دید بینندگان قرار داد. نوع بافت و ظرافت و نقش این قالی گویای مهارت و تبحر هنرمندان بافنده دوره هخامنشی و نشانگر سنت دیرپای بافت فرش ایران است كه قدمت آن را به بیش از دو هزار و پانصد سال باز می گرداند.

**پیكرتراشی**

پیكرتراشی دیگر جلوه هنری دوره هخامنشی است. این شاخه از هنر ایران باستان كه به نوعی وارث رموز تزئینی آشور بوده، امروزه به صورت پیكره های زیبایی ازپادشاهان، جانورانی نظیر اسب، گاو، سگ و شیر برجای مانده است. سنگ تراشان افراد و جانوران را معمولا به صورت نیم رخ نقش می كردند و در نمایش صحنه ها و اتفاقات تاریخی و سیاسی همواره بر بزرگ جلوه دادن شاهان خود تأكید زیادی داشته اند. در آثار باقیمانده از پیكرتراشی های هخامنشی قدرت تجسم بخشی، خلاقیت هنری و دقت در انتخاب موضوع به خوبی به چشم می خورد.

**ظروف سفالی و ریتون ها**

**در دوره ساسانی، برای ساخت ظرف نقره زراندود تکنیکهای پیشرفته ای استفاده می شد که خیلی دیرتر رومیان آنها را یاد گرفتند. تکنیک دو پوسته، جوش دادن یک قطعه طلا بر سطح نقره، کشیدن پوسته نازک نقره بر قسمتهای برجسته ظرف و استفاده از ریخته گری در ظروف ساسانی به چشم می خورد. نقوش ظرفها معمولا درباری اند و صحنه شکار و بزم شاهی را نشان می دهند. این ظرف ها احتمالا هدایای شاهان به بلندپایگان و سفیر های خارجی بود و باستان شناسان آنها را در مناطق مختلفی از شرق روسیه تا اروپای مرکزی یافته اند. تقریبا همه آنها در غرب امپراتوری ساسانی یافت شده اند.**

**از آلیاژهای مختلف، مجسمه های کوچک و سایر قطعات تزیینی می ساختند. طلا نیز همچون همیشه در ساخت لوازم تزیینی وزیور آلات استفاده می شد.**

**به طور کلی در هنر هخامنشی بیشتر از اضلاع گوشه دار استفاده می شود و قوس کمتر دیده می شود در این هنر سادگی و توجه به جزییات نقش مهمی دارد و پیام آن همواره با دوستی و صلح همراه است و خشونت در آن راهی ندارد.**

**خط میخی هخامنشی**

**خط میخی به آن دسته از خطها گفته می شود که نمادهایی شبیه میخ دارند. خطوط میخی گونه‌های گوناگونی دارند که برای نوشتن زبانهای مختلف به کار می‌روند. از گونه‌های خط میخی می توان به میخی سومری، اکدی، ایلامی و اوگاریتی اشاره کرد و هم چنین خط میخی هخامنشی یا پارسی باستان. همه خطوط میخی که تا کنون رمزگشایی شده‌اند از چپ به راست نوشته می‌شوند. این خط در کشورهای آسیای غربی به کار می‌ رفته ‌است. پژوهشگران سومریان را مبدع خط میخی می‌دانند.**

**خط میخی هخامنشی توسط داریوشِ بزرگ ساخته شده ‌است، دارای ۵۰ نشانه ‌است و آخرین گونه خط میخی است که در سده ششم پیش از میلاد ساخته شده ‌است. داریوش در بند 70 کتیبه بیستون یادآور می شود که او این خط را ساخته و آنرا به همه کشورها فرستاده تا مردم آنرا یاد بگیرند، او این خط را خط آریایی نامید.
این خط برای نوشتن کتیبه های هخامنشی به کار رفته‌ است. خط میخی هخامنشی، خطی نیمه الفبایی، نیمه هجایی است، افزون بر ۸ نشانه که برای واژگان پر کاربرد مانند شاه، کشور و اهورامزدا به کار می‌روند. این خط از ساده‌ترین خطوط میخی است.**

**ساتراپ و ساتراپی**

**بخشهای مختلف شاهنشاهی هخامنشی ساتراپی نامیده میشد. ساتراپی مانند استان یا ایالت امروزی بود و هر ساتراپی یك مسئول داشت كه ساتراپ نامیده میشد و از طرف شاه انتخاب میشد. شاهان هخامنشی معمولا افراد محلی و شاه قبلی آن کشور را که به صورت ساتراپی در آمده بود، به عنوان ساتراپ انتخاب می کردند. شاه به عنوان بازرس فردی را به ساتراپها می فرستاد که چشم شاه نامیده میشد.**